

## سال سخت روزنامه‌نگار و روزنامه‌نگاری



سامان موحدی‌راد

نمی‌دانم چقدر با این حرف موافق هستمید اما به نظر من روزنامه‌نگاری در حال و روزهای کنونی ایران شغلی کم‌بویش با اقبال کم در میان افکار عمومی است. این به آن معنا نیست که روزنامه‌نگاران در ایران کارشان را بلد نیستند یا دوست دارند در چنین فضای منفصل و بی‌اثری فعالیت کنند بلکه مجموع شرایط در فضا سیاسی–اجتماعی کار را به جایی کشانده که روزنامه‌نگاری در ایران با کمترین اقبال در میان افکار عمومی مواجه است. همین است که بسیاری در بزنگاه‌های مهم اردزست‌رفتن مرجعیت رسانه‌ها در ایران سخن می‌گویند و می‌نالند. علت رخ‌دادن این ماجرا هم خیلی

واضح و ساده است. تا زمانی که صدای خیابان‌ها در صفحات روزنامه‌ها بازتابی ندارد، روزنامه‌نگاری با اقبال عمومی مواجه نخواهد شد. دلیل این عدم انعکاس هر چه می‌خواهد باشد، مصلحت یا شرایط حساس کنونی یا هر بهانه دیگری که باشد نتیجه‌اش این است که روزنامه‌نگاری در ایران دیگر وزن سابق را در میان گروه‌های مرجع ندارد و نمی‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند. این به آن معنا نیست که در یک سال گذشته مثلا گزارش‌های خوب و راهگشایی در رسانه‌های ایران منتشر نشده است اما وزن این گزارش‌ها در برابر اتفاق‌های بزرگی که در یک سال گذشته در ایران رخ داده است، قابل مقایسه نیست. برای همین باید به مخاطبان و مردم حق داد که از روزنامه‌نگاری در ایران راضی نباشند و در هر رویدادی به روزنامه‌نگاران ایرانی انتقاد کنند که در صحنه نیستند یا حضور درستی ندارند یا نقش‌شان را درست اجرا نمی‌کنند. آنها البته نمی‌دانند که مثلا روزنامه‌نگاران در ایران آن‌طورکه باید به اطلاعات درست دسترسی ندارند، برخی سازمان‌ها و ادارات

علی‌رغم ادعای شفافیت، اطلاعات را به بهانه‌های مختلف در اختیار رسانه‌ها قرار نمی‌دهند. با اینکه همه سازمان‌ها روابط‌عمومی دارند، اما پیداکردن یک مسئول به‌ویژه در میانه بحران‌ها سخت است و اغلب از زیر بار پاسخ‌گویی به سؤال‌ها فرار می‌کنند. در یک بحران چنان روال کار را پیچیده می‌کنند که پیگیری کار برای روزنامه‌نگار سخت می‌شود و صدها ناهمواری و سنگلاخ دیگر در مسیر کار روزنامه‌نگاری که آن را به کاری سخت و با نتیجه‌ای غیرقابل‌قبول برای مخاطبان تبدیل کرده است. القصد، وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران به‌گونه‌ای است که همه ماهایی که در دهه ۹۰ روزنامه‌نگار شده‌ایم، مثل کسانی هستیم که در آغاز بهمن ۵۷ به استخدام مراکز تعیین‌کننده درآمده‌اند. درست زمانی که روزهای طلایی این حرفه تمام شده و حالا روزگار فحش‌خوردن این حرفه شروع شده، روزنامه‌نگار شده‌ایم. با این توصیف، خیلی از آنهایی که مثل من به روزنامه‌نگاری ایران نگاه می‌کنند باید کارشان را عوض کنند؟ واقعیت کار این است

که من هم مدتی با این فکر درگیر بودم و گاهی قویا به آن فکر می‌کردم، اما شهرویر امسال اتفاقی رخ داد که به عاقبت این کار امیدوار شدم. همکاری و دوستی کوتامدنت با نیلوفر حامدی و آنچه بر او به‌عنوان یک عضو جامعه روزنامه‌نگاری ایران گذشت، موجب شد متوجه شوم با همه ناهمواری‌ها در مسیر روزنامه‌نگاری اما این حرفه‌ای است که باید به آن چسبید. از روزنه‌هایش استفاده کرد و تلاش کرد تا روزنامه‌ها به بازتاب تام‌وتمام صدای خیابان‌ها تبدیل شوند. حالا که این را می‌نویسم، آخرین شماره روزنامه سالی سخت برای روزنامه‌نگاری قرار است منتشر شود؛ سالی بر از روزشمار و خبر بازداشت و آزادی؛ روزهای انتظار پشت درهای اوین و فسادفوبه و قرچک. سال دسنت‌گل‌های رنگس و شادی‌های پس از روز‌ها و ماه‌ها انتظار؛ سالی که برای ما البته هنوز تمام نشده؛ سالی که چشم و چراغ تحریریه ما هنوز در میان ما نیست؛ نیلوفر حامدی گرامی که برای خیلی از ما درس روزنامه‌نگاری است.



او تأکید دارد که همه چیز منوط به تحولات دو ماه پیش‌رو است. به همین دلیل مفیدی پرسش کلیدی را در ادامه گفت‌وگو با «شرق» مطرح می‌کند مبنی بر اینکه «باید منتظر ماند و دید آیا در بازه زمانی دو ماه پیش‌رو که دو طرف ایرانی و عربستانی، بسترهای اولیه بازگشایی مجدد سفارتخانه‌ها را فراهم می‌کنند، اتفاق یا کارشکنی خاصی روی خواهد داد یا خیر؟»؛ چون به زعم این تحلیلگر، پاسخ پرسش فوق می‌تواند مسیر پیش‌رو را در مناسبات تهران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس کاملا روشن کند. با چنین تگرشی، مفیدی فضای کنونی چند هفته اخیر را اگرچه مثبت تلقی می‌کند و بر اهمیت توافق احیای روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی هم اذعان دارد اما هم‌زمان بر شک‌کننده‌بودن آن نیز تأکید می‌کند و در این رابطه بر این باور است که کوچک‌ترین اتفاق یا موضع‌گیری نسنجیده‌ای از هر طرفی می‌تواند فضای کنونی را به «نقطه قبل از توافق پکن» بازگرداند. در این میان، اوج‌گیری تحرکات شورای عالی امنیت ملی هم سوآلات و ابهاماتی درباره غیبت دولت و به‌خصوص وزارت امور خارجه را هم در محافل سیاسی و رسانه‌ای ایجاد کرد. پرتنگ‌شدن این سوآلات تا جایی پیش رفته که به واکنش توییتری سکاندار سیاست خارجی ایران منجر شد. حسین امیرعبداللهیان در صفحه توییتر خود برای روشن‌نگری درباره سفرهای ششمخانی به کشورهای منطقه نوشت: «سفر دریابان ششمخانی به امارات و عراق در چارچوب مناسبات موجود امنیتی انجام می‌شود. پدیده جدیدی نیست. نماینده وزارت خارجه در سفرها همراه ایشان است. در سیاست خارجی هماهنگی وجود دارد. همه چیز در چارچوب نظام و زیر نظر رئیس‌جمهور است. هماهنگی وجود دارد. دشمنان بدانند، اختلافی نیست.»

البته «شرق» پیش‌تر در گزارشی از «فراقوه‌ای» بودن تحرکات اخیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفت و در این راستا تأکید داشت که موضوع وجود «اختلاف» نیست بلکه مسئله کانونی به «تقسیم وظایف» بازمی‌گردد؛ چنانسی که دولت و وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی، سازمان انرژی اتمی، مجلس شورای اسلامی و… به سهم و اندازه خود برای اجرای این «دیپلماسی و سیاست خارجی فرادولتی»، وظایفی را بر عهده دارند. به همین واسطه، علی‌ زارع در تأکید مجددش بر نکته پیشین خود به «شرق» یادآور می‌شود که

هیچ‌کدام از این اقدامات و تحرکات، چه توافق سه‌جانبه با چین، چه سفر به امارات، عراق یا تحرکات احتمالی پیش‌روی شورای عالی امنیت ملی، به‌هیچ‌وجه نه ارتباطی به این شورا دارد و نه ابتکارات شخصی دبیر آن است، بلکه به زعم این کارشناس تمام این اتفاقات خروجی یک پوست‌اندازی فرادولتی است که از دید او سبب شده است تا دستورکارهای مشخصی را برای همه از دولت و شورای عالی امنیت ملی گرفته تا سازمان انرژی اتمی، مجلس و دیگر نهاده‌ا و ارگان‌های دفاعی، نظامی و امنیتی تعریف کند. هرچند امیر مفیدی عنصر محوری تحلیل علی زارع را تأیید می‌کند اما به باور او «وزن‌بخشی» یک پارامتر کلیدی است که نباید در اجرای دیپلماسی فراقوه‌ای فراموش شود. از این منظر، کارشناس حوزه سیاست خارجی به «شرق» می‌گوید: «با وجود آنکه سفر ششمخانی به چین و امضای توافق سه‌جانبه برای احیای روابط با عربستان سعودی یا سفر به امارات و عراق و دیگر تحرکات پیش‌رو، ابتکار این شورا و دبیر آن نیست اما به نظر می‌رسد اکنون وزنی بیش از ادوار گذشته به‌خصوص در قیاس با دوره حسن روحانی برای پیشبرد سیاست خارجی بر عهده شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده است.» البته مفیدی هم اعتقاد دارد شخص ششمخانی راهگشا نیست بلکه موقعیت و جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی است که این وظایف را بر عهده دارد و باید وظایف محوله را در جهت پیشبرد فصل جدید سیاست خارجی ایران به خوبی اجرائی کند.

باین‌حال، کارشناس مسائل خاورمیانه روی نکته جدیدی مانور می‌دهد مبنی بر اینکه اکنون شورای عالی امنیت ملی و دبیر آن، وزن‌بخشی و وزن‌دهی مانند دوره سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد با محوریت حسن روحانی و سعیدی جلیلی به‌عنوان دبیران وقت پیدا کرده است. باین‌حال، اسماعیل کیانی نظری متفاوت از مفیدی دارد و در گفت‌وگو با «شرق» بر این باور است که بعد از شکل‌گیری برخی حواشی برای علی شخمخانی، وی سعی دارد به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، در تحرکات جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شکل فعال‌تری ظاهر شود. به همین دلیل این تحلیلگر یادآور می‌شود که اکنون دبیر شورای عالی امنیت ملی به دنبال آن است که توافق با عربستان، امارات، عراق و… به شکل جدی‌تری به مرحله اجرا درآید که خروجی و دستاورد آن به پای شورا نوشته شود.

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ از توافق سه‌جانبه چین با هدف ازسرگیری مناسبات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که توسط دبیر شورای عالی امنیت ملی انجام شد، این شورا تمرکز جدی و تقریبا بی‌سابقه‌ای را در سیاست خارجی منطقه‌ای گذاشته است. پس از پکن، ششمخانی راهی ابوظبی هم شد و اکنون خبرها حکایت از آن دارد که بغداد مقصد سوم اوست.

آن‌گونه که صفحه توییتر نورنیوز، رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی، در پیامی اعلام کرده است، «عراق به‌عنوان دومین شریک تجاری ایران، مقصد بعدی سفر دریابان ششمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی پس از چین و امارات خواهد بود». در ادامه توییت، نورنیوز یادآور شده که «حفظ و ارتقای مبادلات تجاری بیش از ۱۰ میلیارد دلاری با عراق نیازمند رفع برخی چالش‌های امنیتی محتمل‌شده به روایط دو کشور، تسریع در اجرای توافقات اقتصادی و روان‌ترشدن همکاری‌های بانکی است.» در همین رابطه علی‌ زارع در گفت‌وگو با «شرق» بر موضوع کشایش‌های ارزی، بانکی و پولی با محوریت تأثیر بر بازار دلار ایران به‌عنوان کانون تحرکات ششمخانی، هم در سفر به امارات متحده عربی و هم در سفر به عراق تأکید دارد. این تحلیلگر حوزه اقتصاد بین‌الملل پیرو گفته خود بر این باور است که «دبیر شورای عالی امنیت ملی سعی دارد روی سه نقطه اصلی تزییق ارز به ایران، یعنی دویی، سلیمانیه و هرات، ذیل تحرکات و توافقات دیپلماتیک اثرگذار باشد»؛ چراکه از نگاه این تحلیلگر، عراق، امارات و افغانستان با دور جدید فشارهای دولت بایدن عملا از تزییق دلار خودداری کرده‌اند.

زارع در پاسخ به این پرسش که آیا ابوظبی و بغداد بین رایزنی‌ها با تهران و فشارهای آمریکا توان ایجاد بالانس و درنهایت عملیاتی‌کردن اقداماتی مثبت برای تزییق ارز به بازار ایران را خواهند داشت، از تحولات پیش‌رو می‌گوید. در این راستا تحلیلگر حوزه اقتصاد بین‌الملل تمایزی را بین ابوظبی و بغداد قائل است و در تبیین این تمایز یادآور می‌شود که عراق مانند امارات متحده عربی، وزن و توان چانه‌زنی‌ب‌البایی در برابر ایالات متحده آمریکا ندارد، اما ابوظبی می‌تواند متفاوت از بغداد، یک فضای نسبی حتی موقت را برای مبادلات ارزی با ایران ایجاد کند.

پیرو این تأکید زارع به نظر می‌رسد که رفتار اماراتی‌ها در قبال ایران توأم با هوشمندی بوده است؛ چون با وجود آنکه عربستان سعودی تمام روابط خود را در همه ابعاد و سطوح بعد از حمله به سفارت در تهران و کنسولگری‌اش در مشهد قطع کرد اما امارات با وجود کاهش سطح روابط، هم‌زمان در تلاش بود که مناسبات اقتصادی و تجاری خود را با تهران حفظ کند. البته با بازگشت سفیر ابوظبی به تهران روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و امارات متحده عربی قدری بهبود یافته ولی به وضعیت روابط مستند نرسیده است؛ این شرایط مشابه برای کویت نیز صدق می‌کند.

به همن دلیل پیش از انجام سفر علی ششمخانی به امارات و دیدارش با شیخ محمد بن‌زاید، رئیس دولت این کشور و طحنون بن‌زاید، سیف محمد عبید الزعابی، سفیر

### القاصی به قضات دادگاه‌های تجدیدنظر توصیه کرد

## حقی ضایع نشود

رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به افزایش ورودی پرونده‌ها در سال جاری و در مجموعه قضائی استان تهران گفت: افزایش کیفیت رسیدگی‌های قضائی، اتقان آرا و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی جز با به‌روزرکردن رسیدگی‌های قضائی ممکن نخواهد بود.
علی القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران، در جمع قضات دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (مجمع قضائی غدیر) به موضوع «جنگ ترکیبی» شکست‌خورده دشمن علیه ایران اسلامی اشاره کرد و گفت: ابتکار ریاست معزز قوه قضائیه درخصوص مقوله عفو گسترده و فرارگیر که با موافقت رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) همراه شد، سبب شد تا برنامه‌ریزی‌های دشمن با شکست متفصلخانه‌ای مواجه شود که ضمن خلع سلاح‌کردن دشمن، همه توطئه‌های آن را عقیم کرد. او با اشاره به افزایش ورودی پرونده‌ها در سال جاری و در مجموعه قضائی استان تهران اظهار کرد: افزایش ورودی پرونده‌ها در

### یادداشت

## چگونگی مغایرت مصوبه مولدسازی با قانون اساسی



احمد علی‌رضاییکی

نماینده مجلس

به دنبال انتقادات و اعتراضات جدی صاحب‌نظران، کارشناسان و فرهیختگان نسبت به عدم مراعات نظر تخصصی رهبر معظم انقلاب اسلامی در تدوین آیین‌نامه اجرائی مولدسازی دارایی‌های دولت، هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت در تاریخ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ نسبت به اصلاح این آیین‌نامه اقدام کرد؛ اما در آیین‌نامه اصلاحی نیز اثری از مراعات ماهوی نظرات معظم‌له مشاهده نمی‌شود و علاوه‌بر این هیئت مزبور مجدداً «بدون توجه به بندهای سوم و چهاردهم ابلاغیه سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری (ابلاغیه مقام معظم رهبری) مبادرت به وضع مصوباتی کرده که با قانون اساسی و دیگر قوانین‌کشوری مغایرت دارد. معضلات آیین‌نامه اشاره‌شده از منظر حقوقی به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱- با وجود آنکه در ماده ۱۷ آیین‌نامه اصلاحی کمیته‌های متشکل از معاون اول قوه قضائیه، یکی از نواب رئیس مجلس و بازرس ویژه رئیس‌جمهور برای نظارت بر عملکرد هیئت، دبیرخانه و مجری در نظر گرفته شده، عملکرد این کمیته با عنایت به مساده ۱۸ همین آیین‌نامه که متضمن موقوف‌الاجرا بودن همه قوانین و مقررات مغایر با مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا است و تشخیص این مغایرت برعهده هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت قرار داده شده، عملا توان مراقبت و نظارت کمیته اشاره‌شده را خالی از محتوا کرده است. متصافا وظیفه این کمیته تطبیق عملکرد ارکان با احکام و ضوابط مندرج در مصوبه و آیین‌نامه تعیین شده؛ پس معیار و سنجه مستقلی برای جلوگیری و مواجهه با تخلفات احتمالی هیئت، دبیرخانه و مجری وجود نخواهد داشت تا مراقبت مدنظر رهبر معظم انقلاب محقق شود.

۲- مصونیت بلاوجه اعضای هیئت و مجریان با وجود تأکید مقام معظم رهبری بر مراقبت از عملکرد هیئت مزبور (که به طریق اولی شامل مجریان نیز می‌شود) کماکان در آیین‌نامه اصلاحی لحاظ شده است. لازم به ذکر است مراقبت علاوه بر مرحله پیشگیری از تخلفات شامل مرحله مواجهه با تخلفات نیز هست که اعطای مصونیت به اعضای هیئت و مجریان عملا موجبات تحقق‌نیافتن مراقبت را فراهم آورده است.

۳- اصل هفتادوسوم قانون اساسی اشعار می‌دارد «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین نمی‌کنند نیست». در تبصره بند اول ماده ۱۴ آیین‌نامه اصلاحی آورده شده «در صورت بروز اختلاف یا برداشت متفاوت بین دستگاه‌های مشمول با یکدیگر یا دستگاه‌های نظارتی و مراجع قضائی، نظریه تفسیری هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت مبنأ و ملاک هرگونه اقدام خواهد بود». نص این بند علاوه بر سلب حق تفسیر دادرسان که به موجب اصل هفتادوسوم قانون اساسی جهت تمیز حق به آنان اعطا شده، دستگاه هیئت مولدسازی را در سطح مجلس سیاست‌های قرار می‌دهد که این مسئله نیز نقض آشکار قانون اساسی محسوب می‌شود. ۴- در بند اول ماده ۱۴ آیین‌نامه جدید ذیل سرفصل حل‌وفصل اختلافات عنوان شده مرجع حل‌وفصل اختلافات در وهله اول کمیته‌های موسوم به کمیته حل اختلاف است که در محل دبیرخانه تشکیل می‌شود که این کمیته از طرف هیئت عالی مولدسازی انتخاب می‌شود. در مرحله بعدی نیز در صورت عدم توافق هیئت دآوری مولدسازی را در سطح اجرائی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به اختلافات رسیدگی خواهد کرد و رأی هیئت مزبور را قطعی و لازم‌الاجرا معرفی کرده است. با مراجعه به اصلاحیه ماده ۲۰ قانون اجرائی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مشخص می‌شود که چهار نفر از اعضای هیئت مزبور با پیشنهاد مشترک وزرای امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه‌بودوجه و تصویب هیئت وزیران انتخاب می‌شوند که دارای رأی غالب در هیئت مذکور هستند. توجه به این بند مبین آن است که مرجع اولیه و تجدیدنظر در ترافعات مربوط به مولدسازی منتخب دولت بوده و عملا قوه قضائیه به‌عنوان ناظر بر حسن اجرائی قوانین کشور در امری که صلاحیت ذاتی آن طبق قانون اساسی برعهده آن قوه است، نقشی ایفا نمی‌کند و درواقع دولت در امر مولدسازی علاوه بر وظیفه اجرا، دارای نقش تقنینی و قضائی نیز هست که سازوکار در نظر گرفته‌شده ناقض اصل ۵۷ قانون اساسی است.

۵- در تبصره ذیل بند سوم ماده ۱۴ آیین‌نامه اصلاحی استثنای وارد بر مصونیت اعضای هیئت و مجریان منوط به احراز سونویت نفع شخصی یا گروهی یا ضرر‌نرزدن به بیت‌المال خارج از تصمیمات جمعی تصمیمات تصویب‌شده در هیئت و رعایت‌نشدن احکام و ضوابط مصوبه و آیین‌نامه معرفی شده درحالی‌که در بسیاری از جرائم نیازی نیست که حتما «مرتکب جرم سونویت شناسایی نشده باشند؛ بلکه هیئت مذکور مستند، توجه به این بند معنوی یا روانی جرم محقق می‌شود. در تشریح موضوع باید گفت تقصیر می‌تواند به چند شکل صورت گیرد و سبب تحقق رکن معنوی جرم شود که مستمئل بر بی‌احتیاطی، بی‌مبالتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی است و برای تحقق عنصر معنوی جرم کفایت می‌کند و بمدقق بارز آن در فراز انتهایی ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مشهود است؛ پس محدودکردن شناسایی جرائم احتمالی به احراز سونویت نفع شخصی یا گروهی نیز مخالف با اصول مسلم حقوق کیفری است.

۶- در بند دوم ماده ۱۴ آیین‌نامه آورده شده «در راستای اعتمادبخشی به بخش خصوصی و ثبات قراردادهای دولتی، بازبس‌گیری موضوع معامله در صورتی‌که طرف قرارداد دولت، قصور و تقصیری نداشته باشد، ممنوع است.» با مذاقه در این بند سوآلی که به ذهن همگان متبادر می‌شود، آن است که در صورت بروز هرگونه اشکالی که منجر به تضییع اموال عمومی بشود، اعضای هیئت و مجریان که براساس مصوبه دارای مصونیت هستند، اعاده اموال نیز که ممنوع دانسته شده، چه‌راکاری برای استیفای حقوق بیت‌المال و صیانت از حقوق عامه وجود خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد که این نظر هیئت مذکور حفظ منافع فردی بر حفظ منافع عمومی ارجحیت دارد که این امر نیز با عموماًت و اصول مسلم حقوقی در تعارض آشکار است. برای تبیین موضوع کافی است که ماده ۱۱ قانون مسنونیت مدنی از این نظر بررسی شود. ماده مذکور اشعار می‌دارد «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنهاکه به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصا مسئول جبران خسارات وارده هستند…» به همین جهت در صورت ورود خسارت به اموال عمومی جوازری برای قبول تعرض به بیت‌المال به هزینه حفظ منافع اشخاص متصور نیست. این موضوع به صراحت در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز عنوان شده «هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است.» پس اموال عمومی طبق موازین اسلامی نمی‌تواند به‌عنوان وجه‌الضمان تقصیر احتمالی کارگزاران در اختیار طرف قرارداد دولت قرار گیرد. در بخش‌های بعدی به سایر معضلات مصوبه و آیین‌نامه پرداخته خواهد شد.

خواهد شد و براساس این ضرورت دارد تا در بررسی مسائل و ادعاها در این مرحله تدقیق لازم صورت گیرد تا حقی ضایع نگردد. او با تأکید بر این گزاره که «مرکزیت اعتباربخشی به تصمیمات و آرای قضائی در همه مراحل دادرسی، دادگاه تجدیدنظر است»، دادگاه تجدیدنظر به لحاظ قضائی و جلوگیری از اشتباهاتی که ممکن است سبب تضییع حقوق اصحاب پرونده شود، نسبت به محاکم بدوی دارای دو شان نظارتی و صیانتی است که تأکید می‌شود مورد توجه قرار گیرد. او همچنین با تأکید بر اینکه «سنخش میزان صحت عمل در محاکم بدوی و صیانت از تصمیمات و آرای دادگاه‌ها از سویی محاکم تجدیدنظر با احاطه قضات این دادگاه‌ها نسبت به موضوع پرونده و دقت در مسائل ارتباط مستقیم دارد»، عنوان کرد: تصمیمات و آرای قضات تجدیدنظر، می‌تواند برای محاکم بدوی رویه‌ساز باشد و درعین‌حال جهت رسیدگی‌ها در دادگاه‌های بدوی را هدایت و اصلاح کند.

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران بیش‌ازپیش نمود پیدا کرد؛ چراکه این امر، حاکی از تلاش و اهتمام ویژه همکاران در دادسراها و محاکم بدوی است. او گفت: قضات دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران به‌عنوان کارشناس صاحب‌نظر، پرونده‌های ارجاعی را از حیث نحوه رسیدگی در دادگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند و رأی محاکم بدوی را از نظر اینکه چه میزان دارای اعتبار و اتقان هستند، مورد تحلیل قرار می‌دهند؛ پس اگر در مرحله تجدیدنظر، دقت لازم اعمال نشود و وضعیت رسیدگی به نحو مطلوب مدیریت و کنترل نشود، به‌طور قطع حقوق اشخاص تضییع خواهد شد و همین امر، حاکی از حساسیت و اهمیت مرحله تجدیدنظر است. رئیس کل دادگستری استان تهران خطاب به قضات مجتمع قضائی غدیر گفت: چشم امید مردم در دادگاه‌های تجدیدنظر، به رأی است که از سویی می‌انشا می‌شود؛ بنابراین در مرحله تجدیدنظر، بروز هرگونه اشتباه منجر به تضییع حقوق مراجعان